

Received: 2025/4/22

Accepted: 2025/9/22

from 95 to 113

Seyyed Mohammad Reza

Faghih Imani

Assistant Professor, Department
of Quran and Hadith Sciences,
Faculty of Humanities, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.
(Corresponding author)
Sm.faghihimany@modares.ac.ir

Kavos Roohi Barandagh

Associate Professor, Department
of Quran and Hadith Sciences,
Faculty of Humanities, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.
k.roohi@modares.ac.ir

Maryam Bagherinejad

Salehi

Graduated from Master of Science
in Quran and Hadith, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.
maryam_bagheri@modares.ac.ir

Keywords:

Rushd; Aim of Qur'anic Pedagogy;
The Purpose of Surah; Surah
al-Jinn.

Analysis of the doctrine of “growth” as the goal of Quranic education, with emphasis on the purpose of Surah Al-Jinn

Abstract

“Roushd” is a pivotal concept in Qur’anic pedagogy, representing a fundamental dimension of human development from a spiritual perspective. In Surah al-Jinn, the term “Rushd” appears four times, underscoring its central role within the Qur’anic worldview. This study aims to identify the key indicators and conditions for attaining growth through a structural analysis of Surah al-Jinn. Using a descriptive – analytical method, the research traces the semantic relationships among concepts associated with “Rushd” and explores their implications for human formation in the light of the Qur’an. The findings indicate that receiving divine and intuitive knowledge, affirming the oneness of Lordship, servitude, and guardianship constitute the principal indicators of roushd in this Surah. Moreover, the study identifies several essential conditions for achieving roushd, including receptiveness to truth, faith in God and submission to divine reality, trust in God’s promises, perseverance in the path of servitude, attentiveness to divine signs, and avoidance of blind imitation. Together, these elements outline a holistic Qur’anic framework for spiritual and moral growth grounded in knowledge, faith, and conscious obedience.

تحلیل آموزه «رشد» به مثابه هدف تربیت قرآنی، با تأکید بر غرض سوره جن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۳۱

از صفحه ۹۵ تا صفحه ۱۱۳

چکیده

رشد به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در تربیت قرآنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سوره جن، واژه «رشد» چهار بار تکرار شده و این تکرار نشان‌دهنده نقش محوری این مفهوم در آموزه‌های قرآنی است. هدف این پژوهش، شناسایی شاخصه‌ها و شرایط دستیابی به رشد در سایه تحلیل ساختاری سوره جن است. این مطالعه که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، پیوندهای معنایی میان مفاهیم مرتبط با «رشد» را شناسایی کرده و تأثیر آن‌ها بر تربیت انسانی از نگاه قرآن را دنبال نموده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخصه‌های مهمی همچون: دریافت معرفت و علم لدنی، توحید ربوبی، توحید عبودی و توحید ولایی از شاخصه‌های اصلی رشد در سوره جن محسوب می‌شوند. همچنین به عنوان مهم‌ترین شرایط دستیابی به رشد، می‌توان از مواردی مثل: داشتن گوش شنوا برای پذیرش حقیقت، ایمان به خدا و تسلیم در برابر حق، باور به وعده‌های الهی و استقامت در مسیر عبودیت، توجه به نشانه‌های الهی و دوری از تقلید کورکورانه نام برد.

سید محمد رضا فقیه ایمانی
استادیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه
تربیت مدرس، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)
Sm.faghihimany@modares.ac.ir

کاسو روحی برندق
دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه
تربیت مدرس، تهران، ایران.
k.roohi@modares.ac.ir

مریم باقری نژاد صالحی
فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم
قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت
مدرس، تهران، ایران.
maryam_bagheri@modares.ac.ir

واژگان کلیدی:

رشد، هدف تربیت قرآنی، غرض
سوره، سوره جن.

رشد و مشتقات آن از آموزه‌های مهم قرآنی است که ۱۹ بار در سوره‌های مختلف و به طور خاص، چهار بار در سوره جن تکرار شده است. بر اساس دیدگاه لغویان، رشد به معنای هدایت‌یافتگی، اصابه واقع، استقامت بر راه حق و دستیابی به حقیقت است. این هدایت شامل ابعاد دنیوی و اخروی بوده و فرد رشید نه تنها خود هدایت‌یافته، بلکه دیگران را نیز به مسیر صحیح راهنمایی می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۷۵؛ غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۸). در قرآن کریم رشد در مقابل واژه «غی» قرار گرفته است: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶). غی به جهل ناشی از اعتقاد فاسد تعبیر شده است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۹)، به معنای فرورفتن در جهل (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۵۷) و یا هدایت به سوی شر و فساد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۸۵). غاوی کسی است که هدف و مقصد مشخصی ندارد (جوادی‌آملی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۳۲)؛ بنابراین، رشد و غی اعم از هدایت و ضلالت هستند و هدایت به معنای یافتن راهی است که انسان را به هدف مطلوب می‌رساند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۲).

پژوهش حاضر در پی آن است که با تلفیق تحلیل مفهومی رشد، چشم‌اندازی تربیتی در چارچوب وحیانی ارائه دهد. پژوهش‌هایی که تاکنون در این حوزه انجام گرفته، در سه حوزه اصلی قابل دسته‌بندی و بررسی هستند: منابع مرتبط با مبانی و اهداف تربیت اسلامی، مطالعات مفهومی پیرامون رشد در قرآن، و پژوهش‌هایی که به‌صورت مستقیم یا ضمنی به تحلیل سوره جن پرداخته‌اند:

دسته اول، منابعی است که در حوزه مبانی و اهداف تربیت اسلامی تمرکز نموده‌اند. کتاب دو جلدی اهداف تربیت از دیدگاه اسلام (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۷)، با تفکیک میان اهداف تربیتی در علوم اسلامی و علوم تربیتی غربی، چارچوبی بومی و اجتهادی برای نظام تربیت اسلامی ارائه می‌دهد. همچنین کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (باقری، ۱۳۹۰) با تمرکز بر مفاهیمی چون طهارت، هدایت، رشد و قرب الهی، اهداف غایی تربیت را در پیوند با اصول فلسفی و معرفتی تبیین کرده است. کتاب قرآن و تربیت (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۹۴) با رویکردی میان‌رشته‌ای، کلیات، اهداف، اصول، موانع و عوامل تربیت قرآنی را به‌صورت نظام‌مند بررسی کرده و نقش مؤثر مفاهیمی مانند رشد در منظومه تربیتی قرآن را تبیین نموده است. در سطح مقالات پژوهشی نیز، آثار هاشمی (۱۳۸۸)، ضرابی (۱۳۹۴)، دلبری و همکاران (۱۳۹۳)، حسنی و فقیهی (۱۳۹۶) و حسینی‌زاده (۱۳۹۹) با تمرکز بر غایات تربیت دینی، اهداف نهایی تربیت قرآنی را در مفاهیمی چون عبودیت، رضوان الهی و قرب معرفی کرده‌اند. این پژوهش‌ها مبنای نظری محکمی برای تفسیر مفاهیم رشد و تربیت در بستر سوره‌ها فراهم می‌سازند.

دسته دوم، منابعی هستند که به تحلیل مفهومی و کاربردی «رشد» در قرآن پرداخته‌اند. مطالعات تخصصی در این زمینه عمدتاً بر پایه تحلیل واژگان قرآنی، تفسیر مفهومی، و استخراج‌مبانی تربیتی رشد صورت گرفته‌اند. پایان‌نامه معینی نجف‌آبادی (۱۳۹۴) با عنوان معناشناسی رشد در قرآن، با تکیه بر تحلیل‌های جانیشینی و هم‌نشینی، واژه رشد را در پیوند با مفاهیمی مانند هدایت، حکمت

و ذکر بررسی کرده و رشد را دارای پیوند وجودی با حیات و خلقت انسان دانسته است. شاکر (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با تمرکز بر آیات و روایات، رشد را وابسته به عقل‌ورزی، اطاعت و ولایت معرفی می‌کند. اکبری (۱۳۸۸) با تحلیل ساختار قصص‌قرآنی، تنوع کاربردهای واژه رشد در سیاق‌های تاریخی و زمانی را بررسی کرده است. حاجی‌بابایی (۱۳۸۸) با مرور ۱۹ مورد کاربرد رشد در قرآن، اصول و مراحل رشد را استخراج کرده و آن را در پیوند مستقیم با هدایت انبیاء و ائمه قرار داده است. وجدانی و ایمانی (۱۳۹۱) از رهیافت تحلیل مفهومی جدید، رشد را امری دوسویه در حوزه معرفت و محبت معرفی کرده‌اند. دلبری و همکاران (۱۳۹۳) در طراحی الگوی اهداف تربیت دینی، رشد را در زمره اهداف ذاتی معرفی می‌کنند. حسینی (۱۴۰۰) نیز در یک مطالعه روان‌شناختی، رشد را به‌عنوان فرآیندی متوازن در حوزه شناختی، عاطفی و معنوی بررسی کرده و آن را با مؤلفه‌هایی همچون امنیت روانی، نورانیت، و رهایی از حزن پیوند می‌زند.

اما دسته سوم، منابعی است که ناظر به ساختار و محتوای سوره جن می‌باشد. در حوزه مطالعات مرتبط با سوره جن، مقاله نساج (۱۴۰۱) با تمرکز بر زیبایی‌شناسی ساختاری و پیوستگی واژگانی، پیوند میان سوره جن و سوره کهف را برجسته کرده و زمینه را برای مطالعات معناشناختی عمیق‌تری فراهم نموده است. مقاله حسنی و فقیهی (۱۳۹۶) با تحلیل تفسیر المیزان، رشد اخلاقی را در پرتو وصول به رضوان الهی تبیین کرده که با محتوای سوره جن در خصوص تسلیم، عبودیت و ایمان هم‌راستاست. حسینی‌زاده (۱۳۹۹) نیز با تکیه بر آموزه رضوان‌الله، تحلیلی کل‌نگر از غایت تربیت اسلامی ارائه می‌دهد.

این مجموعه پیشینه‌ها، نشان می‌دهد که هرچند مفهوم رشد در قرآن و تربیت اسلامی به طور گسترده‌ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، اما تمرکز خاص بر تحلیل آموزه «رشد» در تربیت قرآنی، با تأکید بر غرض سوره جن صورت نگرفته است و پژوهش حاضر می‌تواند در پر کردن این خلأ علمی نقش مؤثری ایفا کند.

۲- شاخصه‌های آموزه رشد مبتنی بر غرض سوره جن

تحلیل ساختار سوره جن، بیانگر آن است که خدای متعال، آموزه رشد را به‌عنوان غایت تربیت قرآنی معرفی نموده و در یک نگاه کلی، تمسک به ذیل رسول‌الله^(ص) و اعتصام به جبل قرآن کریم را به‌عنوان تنها راه اصلی راهیابی به این هدف معرفی می‌نماید.^۱ در بیانات این سوره، جزئیات بیشتری وجود دارد که می‌توان از دل آن به شاخصه‌های این آموزه قرآنی و نیز شرائط و آثار رسیدن به آن پی بُرد. بر اساس ادبیات معرفتی سوره جن و غرض برآمده از آن، کسی که به مقام رشد نائل می‌شود، دارای شاخصه‌هایی است که او را از دیگران متمایز می‌گرداند. در ادامه به مهمترین این شاخصه‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱- این مطلب در مقاله دیگری تحت عنوان: «آموزه قرآنی «رشد» در بستر تحلیل ساختاری سوره جن» توسط نگارنده، تبیین شده که به زودی منتشر خواهد شد.

۱-۲- دریافت معرفت و علم لدنی

انسان برای رسیدن به مقام رشد، به معرفت صحیح نیازمند است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ۴۳۶) و این معرفت ضرورتاً باید از منابع معتبر و از طریق درست به دست آید تا انسان را به مقصد مطلوبش نائل کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۵۴). از این رو می‌توان گفت که از مهمترین مأموریت‌های سوره جن، معرفی منبع معتبر و روش صحیح برای کسب معرفت و نیل به مقام رشد است. آیات این سوره به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که بر اهمیت کسب معرفت و رشد همه جانبه انسان تأکید می‌کنند. با این حال، برخی از انسان‌ها در مسیر دستیابی به این معرفت دچار اشتباه شده و به جای رشد و ترقی، دچار غوایت می‌شوند.

قرآن کریم، دوگان «رشد و غی» را در مقابل دوگان «هدایت و ضلالت» به کار می‌گیرد تا بیانگر تفاوت‌های مفهومی و مصداقی این دو در ادبیات قرآنی باشد. اصحاب لغت بر این نکته متفق‌اند که نیل به غایت و اصابه به واقع در معنای رشد اشراب شده است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۶۶، ص ۲۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۷۵؛ فیومی، ج ۲، ص ۲۲۷؛ طریحی، ج ۳، ص ۵۰) و از آنجا که رشد به نوعی متضمن رسیدن به مقصد است، برخی «مَرشد» را به مقصد معنا نموده‌اند (ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۹۸؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۷۴). برخی مفسران بر این باورند که دوگان «رشد و غی» اعم از دوگان «هدایت و ضلالت» است؛ زیرا هدایت به معنای مطلق پی بردن به راهی است که آدمی را به هدف می‌رساند، و ضلالت هم نرسیدن به چنین راه است، لکن استعمال کلمه «رشد» از باب انطباق بر مصداق بوده و در جایی کاربرد دارد که نیل به غایت و مقصد صورت گرفته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۲). بر این اساس، نه تنها مؤلفه معنایی معرفت هدف در تبیین معنای رشد، نقش اساسی دارد؛ بلکه رسیدن به آن و محقق شدن آن در عالم خارج نیز موضوعیت می‌یابد. با توجه به این نکته، غوایت که نقطه مقابل رشد است، به معنای بی‌هدفی و پوچ‌گرایی است. این در حالی است که ضلالت در جایی مطرح است که فرد مقصد را می‌شناسد، اما راه رسیدن به آن را گم کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۲). شیاطین به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که انسان در ابتدا مسیر خود را گم کند: «وَلَا ضَلَّوْهُمْ» (نساء: ۱۱۹) و در نهایت او را به بی‌هدفی و گم کردن هدف خود وادار می‌کنند: «وَلَا أَعُوْبَهُمْ» (حجر: ۳۹).

آیات ۶ تا ۱۰ در سیاق اول، به ترسیم فضای ظلمانی دوران فترت قبل از بعثت پیامبر مکرم اسلام^(ص) می‌پردازد. در این دوران، دستیابی به اخبار غیبی یک مسأله جدی بوده و انسان‌ها برای رسیدن به رشد، به دلیل عدم حضور پیامبری از سوی خدا، به کاهنان روی می‌آوردند. کاهنان نیز برای به‌دست آوردن این اخبار به جتیان متوسل می‌شدند تا اطلاعاتی از آنان دریافت و به انسان‌ها منتقل کنند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۷۲۱). این رویه باعث گمراهی هر دو گروه می‌شد؛ زیرا از یک سو دریافت اخبار توسط شیاطین جن، به سبب بارش شهاب‌ها، به‌درستی صورت نمی‌گرفت و اطلاعات به‌دست‌آمده مخلوط با دروغ بود. به تبع آن، کاهنان نیز همان اخبار نادرست و تحریف‌شده را به انسان‌ها منتقل می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۲۵) و این امر موجبات گمراهی و هلاکت انسان‌ها را فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۳۰). از سوی

دیگر، جنیان به دلیل مراجعات مکرر انسان‌ها و اتکایشان به ایشان، غرّه شده و این مسئله باعث طغیان آن‌ها می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۴۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۳۵). این چرخه اخبار غیبی نادرست و اشتباه در دوران قبل از بعثت پیامبر اسلام^(ص) تا زمان نزول قرآن ادامه داشت. علم لدنی که مختص به اولیاء الهی است، دارای خصائص منحصر به فردی است که آن را از دیگر انواع معرفت ممتاز می‌سازد: نخست آنکه: این علم مستقیماً و بی‌واسطه از نزد ذات باری تعالی بر نفوس اولیاء افاضه می‌گردد و حقیقت محض و مصون از هرگونه خطا و شبهه است. دوم: این علم از انحراف و اشتباه مبرا است و حتی از خطر سهو و نسیان نیز پاک است. سوم: دانش لدنی حضوری و شهودی است، نه مفهومی و اکتسابی؛ و چهارم: این علم با ملاکات و اسرار الهی آمیخته بوده و به نوعی مرتبط با جنبه‌های باطنی و ملکوتی وجود است (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۵۲، ص ۲۱۹). باتوجه به این ویژگی‌ها، علم لدنی دانشی است کاملاً فوق اکتسابی و به‌غایت متعالی که در حیطة تصرف انسان و وسایل معرفتی متعارف قرار نمی‌گیرد.

گفتنی است در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره جن، ویژگی دیگری از پیامبر اکرم^(ص) مورد تأکید قرار گرفته که همانا اتصال ایشان به علم غیب است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» (جن: ۲۶ و ۲۷). بر اساس این آیات، علم غیب به طور مطلق در اختیار ذات الهی است و تنها رسولان برگزیده، به اذن پروردگار، از این علم بهره‌مند می‌شوند. این موهبت الهی، پیامبران را قادر می‌سازد تا با آگاهی از حقایق فراتر از عالم شهادت، در مسیر رشد بشر گام بردارند.

۲-۲- توحید ربوبی

ربوبیت به معنای پرورش و هدایت تدریجی هر موجود به سوی کمال غایی است (راغب‌الصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۴). از این رو، ربوبیت در زمره صفات فعلی خداوند قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۴۲۶). علامه طباطبایی با استناد به مجموعه‌ای از آیات قرآنی، ربوبیت در دستگاه فکری قرآن را دارای دو رکن اساسی «مالکیت» و «تدبیر» می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۱۲۳). به باور وی، از آن‌جا که هر موجودی در اصل وجود خود به موجودی دیگر وابسته باشد، آثار وجودی آن نیز تابع این وابستگی است. بنابراین، خداوند که منشأ وجود و مالکیت حقیقی تمام موجودات است، منشأ آثار وجودی آن‌ها و در نتیجه مدبر مطلق آن‌ها نیز هست. از این رو، خداوند در یک نظام جامع الهی، مالک مدبر یعنی ربّ مطلق تمام موجودات است (همان، ج ۱، ص ۲۱). این دیدگاه در بستر اندیشه توحیدی قرآن، به‌ویژه در حوزه توحید در ربوبیت، معنایی بنیادین می‌یابد. توحید در ربوبیت به معنای اعتقاد به مالکیت و تدبیر مطلق خداوند در تمامی ابعاد تکوین و تشریح است. انکار اطلاق مالکیت و تدبیر الهی، چه در یکی از این ابعاد و چه در هر دو، به‌ناچار به شرک می‌انجامد. از آنجاکه عمده مشرکان گرفتار شرک در ربوبیت بوده‌اند و نه خالقیت، قرآن کریم تأکید ویژه‌ای بر تبیین توحید ربوبی دارد.

شایان ذکر است در سوره جن، نقش کلیدی و محوری «ربوبیت» خداوند به‌وضوح برجسته

است؛ به‌ویژه آنکه واژه «رب» در این سوره به طور مکرر و به تعداد ۸ مرتبه ذکر شده است. این تکرار نشان‌دهنده جایگاه بنیادین این مفهوم در ساختار سوره و تأکید بر اهمیت آن در داستان‌ها و تعالیم ارائه شده است. در سیاق نخست، در آیه ۲، جنیان، پس از شنیدن وحی الهی، آن را مبدأ رشد و هدایت تلقی کرده و بی‌درنگ بدان ایمان آوردند. در ادامه، با تأکید بر نفی شرک به رب خویش، اظهار داشتند: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (جن: ۲). این بیان، نشانگر آن است که جنیان، در پرتو تدبیر در مضامین قرآن، دریافتند که گوینده این کلام الهی، اراده رشد و تکامل پیروان خویش را دارد. نظر به اینکه رشد تدریجی و تعالی معنوی تنها در پرتو ربوبیت الهی امکان‌پذیر است، آنان در خطاب به خداوند، واژه «رَبِّ» را به کار گرفتند. این انتخاب مفهومی مؤید آن است که آنان به این درک رسیدند که تنها رب، قادر است ایشان را به رشد رهنمون سازد. در آیه ۳، پس از آنکه در آیه پیشین بر ایمان به رب و دوری از شرک تصریح کردند، بار دیگر پروردگار خویش را با عنوان «رَبِّنَا» یاد نموده و او را از انتساب هرگونه همسر و فرزند منزه داشتند: «وَ أَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا» (جن: ۳). این بیان، در حقیقت استمرار و تعمیق باور آنان نسبت به ربوبیت مطلق الهی و نفی هرگونه تشبیه و جسمانیت در ذات اقدس الهی را نشان می‌دهد. از منظر قرائات مختلف، تأویل نحوی این آیه به دو گونه قابل تحلیل است. بر اساس دیدگاه طوسی، در صورتی که «أَنَّهُ» با کسره خوانده شود، این عبارت به جمله پیشین عطف شده و در ادامه نقل قول جنیان محسوب می‌شود، بدین معنا که آنان گفته‌اند: «إِنَّا سَمِعْنَا» و نیز اظهار داشته‌اند «إِنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا». اما در صورتی که این واژه با فتحه قرائت گردد، مفهوم جمله چنین خواهد بود که: «فَآمَنَّا بِأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا»، یعنی: «ما به رفعت و عظمت مقام رب خویش ایمان آوردیم» (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۴۷).

نکته حائز اهمیت آنکه جنیان در این آیه، به‌ویژه بر نفی این باور تأکید می‌کنند که خداوند دارای همسر و فرزند باشد. این تأکید ممکن است اشاره‌ای به رد یکی از خرافات رایج در میان عرب پیش از اسلام باشد که بر اساس آن، فرشتگان به‌عنوان دختران خداوند و جنیان به‌عنوان همسران منتخب او تصور می‌شدند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۰۶). این اعتقاد به‌طور ضمنی در آیه ۱۵۸ سوره صافات نیز مطرح شده است: «وَ جَعَلُوا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ نِجَابًا»، بدین معنا که آنان میان خداوند و جنیان خویشاوندی برقرار می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۷۳). در ادامه، در آیه ۱۰ نیز به موضوع رشد زمینیان اشاره شده است، جایی که جنیان همچنان از واژه «رب» بهره می‌برند؛ واژه‌ای که به‌طور خاص با فرآیند رشد ارتباط دارد: «وَ أَنَا لَا نَدْرِي أَ شَرٌّ أُرِيدَ بِنِي فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا» (جن: ۱۰). در این آیه، برای بار دوم واژه رب در کنار واژه رشد قرار گرفته است.

در آیه ۱۳، جنیان هنگام دعوت قوم خود به ایمان به پروردگار، از ایمان به رب خویش به‌عنوان یک پناهگاه در مقابل مخاوف متداول در جهان انسانی یاد کرده و بر این نکته تصریح می‌نمایند که آن کس که به رب خویش ایمان آورد، نه از نقصان در خیر و نیکی می‌هراسد و نه از گرفتار شدن در مکروه و زیان: «وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَ لَا

رَهَقًا». در این بیان، تأکید جنیان بر این است که فرد نباید در پذیرش ایمان به رب، لحظه‌ای تردید یا درنگ نماید، درحالی‌که این ایمان، به اطمینان و رهایی از خطرات و مشکلات دنیوی منجر خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۴۵). قرآن کریم، در آیه ۱۷ به تبعات اعراض از یاد رب اشاره کرده و از آن به «عذاب سعد» تعبیر می‌نماید: «وَمَنْ يَعْزُضْ عَنِ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا». بنا بر دیدگاه مفسران، عذاب سعد به عذاب مشقت‌باری اشاره دارد که به طور مداوم و پیوسته افزایش می‌یابد و فرد معذب را به تدریج مغلوب می‌سازد (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۵۴). این هشدار در ارتباط با روند هدایت انسان‌ها به سوی رشد و کمال است. به عبارت دیگر، در مسیر رشد و تکامل روحی، انسان باید پیوسته به یاد رب خویش باشد و از هدایت الهی بهره‌برداری کند. اعراض از ذکر و یاد خداوند، به معنای دوری از رشد و انحراف از مسیر هدایت است. چنین فردی در مسیر نادرست قرار می‌گیرد و به جای ترقی و کمال، دچار غمی می‌گردد.

در سیاق دوم، خداوند به پیامبر خود امر می‌کند که خود را به‌عنوان الگوی انسان رشید معرفی کند و در این راستا اعلام نماید که او فقط «رب» خود را می‌پرستد و تحت هیچ شرایطی برای او شریک قائل نمی‌شود: «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» (جن: ۲۰). این اعلان عمومی که با امر «قل» محقق شده، می‌تواند بیانگر آن باشد که پیامبر^(ص) نه تنها خود در مسیر رشد قرار گرفته، بلکه به‌عنوان یک الگو، می‌تواند مردم را نیز به این مسیر هدایت کند. نظیر آنچه در جای دیگر به طور شفاف‌تر خطاب به رسول گرامی‌اش فرمود: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف: ۱۰۸). بر این اساس، عبادت انسان نسبت به موجودی که او را پروردگار خود شناخته، چیزی نیست که مورد ملامت و تعجب قرار گیرد؛ بلکه سبب تبعیت و الگوبرداری است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۵۱). در ادامه و در آیه ۲۵، پیامبر از عدم علم به زمان وقوع وعده‌های الهی سخن می‌گوید و به‌صراحت اعلام می‌کند که علم به زمان وقوع عذاب یا وعده‌های الهی تنها در اختیار پروردگار است: «قُلْ إِنِّي لَأَدْرِي أَلْقَرِيبَ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا»؛ زیرا ممکن است خداوند برای تحقق آزمون خلق و تکمیل تربیت و رشد آن‌ها، وعده‌های خود را به تأخیر اندازد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۱۳۹).

آیات پایانی سوره جن نیز به بیان نحوه ارسال پیام‌های پروردگار از طریق فرستادگان الهی اختصاص یافته است: «... فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ...». در این آیات، بر این نکته تأکید می‌شود که رسولان الهی، رسالت خود را در راستای ابلاغ پیام‌های ربوبی و هدایت معنوی انسان‌ها به‌درستی انجام می‌دهند تا این پیام‌ها که برای رشد و تکامل جن و انس در ابعاد مختلف حیات، ارسال می‌شود، بدون کم‌وکاست به دست ایشان برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۵۴). از این رو، رشد انسان‌ها در گرو پذیرش این پیام‌ها و پیروی از تعالیم الهی است که به‌واسطه پیامبران به بشر رسانده می‌شود. باتوجه‌به تحلیل دقیق آیات این سوره، می‌توان نتیجه گرفت که توحید ربوبی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اساسی و محوری رشد در نظر گرفته می‌شود.

۳-۲- توحید عبودی

«عبد» به معنای موجودی است که در موقعیت مملوکیت و وابستگی نسبت به دیگری قرار دارد، و در این راستا، عبادت تجلی کامل مملوکیت و وابستگی محض به خداوند خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۴). در نتیجه عبادت به عنوان ظهور مملوکیت مطلق بنده در برابر مالک حقیقی، با هرگونه کبر و استکبار ناسازگار است.

در سیاق اول، آیه: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸) بر لزوم اخلاص کامل در عبادت و بنده بودن مطلق در همه حالات دلالت دارد. این آیه تأکید می‌کند که تمامی افعال و نیات انسان باید در جهت رضایت خداوند باشد و هیچ موجودی نباید شریک او قرار گیرد. در بعدی نیز می‌توان مصداق آیه ۱۸ را مشاهده کرد: «وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا» (جن: ۱۹). در این آیه، خداوند به وضوح تأیید می‌نماید که پیامبر گرامی اسلام، به عنوان مظهر کامل عبودیت، با تمام وجود و از صمیم دل به عبادت خدا پرداخته است. در توحید عبادی، او به اوج کمال رسیده و در بالاترین مرتبه از تسلیم و ایمان قرار دارد. با وجود تمامی مشکلات و فشارهای بیرونی، پیامبر در ایمان و اعتقاد خود استوار و راسخ باقی مانده است که این امر تجلی‌گر عمیق‌ترین شکل از عبودیت و ارتباط با حضرت حق است.

در سیاق دوم، در آیه: «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» (جن: ۲۰) به پیامبر اسلام (ص) امر می‌کند که تنها خداوند را عبادت کرده و شریکی برای او قائل نشود. این بیان، پیامبر را به عنوان الگوی مؤمنان معرفی می‌کند که خداوند را تنها مربی و هادی حقیقی می‌داند و بر این باور است که او یگانه مسیر رشد و سعادت نهایی است.

بدین ترتیب، توحید عبودی را می‌توان به عنوان دیگر شاخه اساسی رشد تلقی کرد. چنان‌که در سوره جن، خداوند، پیامبر (ص) را به عنوان الگوی برجسته‌ای در مسیر رشد معرفی می‌کند و او را ملزم می‌سازد تا خود را با دو ویژگی بنیادین معرفی نماید: یکی عبادت خالصانه نسبت به خداوند و دیگری اجتناب از هرگونه شرک. از این رو، توحید عبودی و اجتناب از شرک به عنوان شاخه‌های اصلی و متعالی رشد در نگرش اسلامی تلقی می‌شوند.

۴-۲- توحید ولایی

راغب اصفهانی، واژگان «ولاء» و «توالی» را به مفهوم پیوستگی و اتصال تعریف می‌کند، آن‌سان که در این ارتباط هیچ عنصر بیگانه‌ای میان دو طرف وجود نداشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۳۳). در مفهوم ولایت الهی، اشاره به پیوند عمیق و تکوینی خداوند با بندگان مؤمن وجود دارد که در آن، خداوند به هدایت و تدبیر امور بندگان می‌پردازد و هیچ نیروی دیگری توان ایجاد چنین ارتباطی را ندارد. این ولایت شامل هدایت بندگان به صراط مستقیم، فرمان به انجام افعال صالح و منع از کردارهای ناپسند است، به گونه‌ای که بندگان در تمام مراحل زندگی، از حمایت و نصرت الهی برخوردار می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، صص ۸۸-۸۹). مؤمنانی که به توحید ربوبی باور دارند و زندگی خود را به ذات باری تعالی سپرده‌اند، از ولایت الهی بهره‌مند می‌شوند و با

پذیرش این حاکمیت، از عبودیت قدرت‌های غیرالهی آزاد می‌شوند.

در منظومه فکری اسلام، تجلی ولایت الهی در زندگی مؤمنان، از مسیر نظام امامت طراحی شده است که هدایت و تدبیر الهی را به انسان‌های معصوم واگذار می‌کند. این جانشینان خداوند، تجلی حاکمیت الهی در میان مؤمنان هستند و اطاعت از آن‌ها به منزله اطاعت از خداوند تلقی می‌شود؛ درحالی‌که مخالفت با آن‌ها معادل شرک و انکار توحید است. به این ترتیب، ولایت جانشینان الهی ادامه‌دار و تابع ولایت مطلق خداوند است و تجلی حاکمیت یگانه الهی به‌شمار می‌رود (حاجی‌صادقی، ۱۳۸۸، صص ۲۲۱ و ۲۲۲). در نتیجه می‌توان گفت توحید ولایی به‌عنوان امتداد طبیعی توحید ربوبی، حاکمیت مطلق و انحصاری خداوند بر مؤمنان را از طریق ولایت و امامت برگزیدگان او به تصویر می‌کشد. این مفهوم از شاخصه‌های اساسی در مسیر رشد به‌شمار می‌رود و تنها از رهگذر پذیرش ولایت الهی و تبعیت از امامان معصوم به کمال مطلوب دست می‌یابد.

باوجود آنکه در سوره جن از مشتقات واژه «ولی» استفاده نشده است، اما محوریت نبوت و رسالت به‌عنوان نخستین حلقه از زنجیره ولایت الهی مورد تأکید قرار گرفته است. این مسئله در نخستین آیه این سوره نمایان می‌شود: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» (جن: ۱). در این آیه که با «قل» آغاز شده است، خداوند متعال رسول مکرّم اسلام^(ص) را به‌عنوان ولی خود، واسطه هدایت بشر قرار می‌دهد. از این‌رو، اگر انسان‌ها در پی نیل به رشد و تعالی‌اند، می‌بایست از تعالیم او پیروی کنند؛ همان‌گونه که گروهی از جن پس از استماع آیات الهی، شگفت‌زده شده و به عظمت آن اذعان کردند. از گفتار جنیان در آیه ۷ این سوره، چنین برداشت می‌شود که پیش از ظهور اسلام نیز، اعتقاد به ارسال اولیای الهی برای هدایت بشر وجود داشته است: «وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنَّ لَنُ بَيِّعَتَّ اللَّهَ أَحَدًا».

در نخستین فرمان «قل» در سوره جن، خداوند به پیامبر اکرم^(ص) دستور می‌دهد که اعلام کند وحی الهی بر او نازل شده است و در دومین فرمان «قل»، پروردگار به وی امر می‌کند که خود را با دو ویژگی بنیادین معرفی نماید: نخست آنکه ربوبیت مطلق الهی را مورد اذعان قرار دهد، همان پروردگاری که او را در مسیر کمال و رشد تربیت کرده است؛ و دوم آنکه هرگونه شرک به ذات باری تعالی را به طور کامل نفی نمایند: «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّيَ وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» (جن: ۲۰). این دو ویژگی، همان اصولی هستند که در آیه ۲۵۶ سوره بقره که به تبیین دوگان «رشد و غی» پرداخته، نیز بیان شده‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي قَدَّ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...» (بقره: ۲۵۶). بر اساس این آیه، دستیابی به رشد، در گرو دو اصل بنیادین است: نخست: انکار سلطه طاغوت و دوم: ایمان به خداوند متعال. فردی که این دو شاخصه را در خود محقق سازد، به دستگیره‌ای استوار و غیرقابل گسست تمسک جسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۴). خداوند در سوره جن، پیامبر اکرم^(ص) را به‌عنوان یک اسوه رشد یافته معرفی می‌کند که خود به بالاترین مراتب هدایت و کمال نائل شده و توانایی هدایت دیگران را نیز داراست. جایگاه ایشان نه‌تنها به‌عنوان یک نبی و رسول، بلکه به‌عنوان ولی الهی

است که مأموریت او رشد و تعالی انسان‌ها در پرتو تعالیم وحیانی است. بنابراین، می‌توان توحید ولایی را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اساسی در رشد قلمداد نمود. این اصل، نه‌تنها بر یکتاپرستی و نفی هرگونه شرک تأکید دارد، بلکه بر لزوم تبعیت از ولی الهی به‌عنوان واسطه تحقق هدایت و رشد دلالت می‌کند. در این چارچوب، ولایت الهی امتداد توحید ربوبی تلقی می‌شود و پیروی از ولی منصوب از سوی خداوند، مسیر دستیابی به رشد حقیقی و استمساک به عروه‌الوثقی را تبیین می‌نماید.

۳- شرایط رسیدن به رشد؛ مبتنی بر غرض سوره جن

باتوجه به سوره جن، «رشد» مستلزم رعایت مجموعه‌ای از شرایط و ویژگی‌های عمیقاً متعالی است که هر فرد با التزام به آن‌ها، در مسیر ارتقاء معنوی و تعالی وجودی قرار گرفته و به سوی تکامل مستمر گام برمی‌دارد. در ادامه به تفصیل به این موارد پرداخته خواهد شد:

۱-۳- داشتن گوش شنوا برای پذیرش حقیقت

شنوایی در نظام ادراکی انسان به‌عنوان ابزاری مهم و اساسی برای درک حقائق به شمار می‌آید. قرآن کریم نیز این اهمیت را مورد تأکید قرار داده است؛ چنان‌که در سوره ملک، با تعبیر: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک: ۱۰) به پیوند شنوایی و تعقل اشاره می‌کند، ضمن آنکه با مقدم داشتن سمع بر عقل بر این نکته دلالت می‌کند که بیشتر مردم تنها از نیروی سمع و نه از نیروی عقل، استفاده می‌کنند؛ لذا عموم مردم از درک دقائق امور و ادراک حقیقت آن و راه‌یابی به مصالح و مفاسد واقعی عاجزند و از نیروی عقل تنها خواص از مردم بهره‌مند می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۵۳). نیز عدم هدایت برخی افراد را به علت سنگینی گوش و ناتوانی از شنیدن پیام الهی می‌داند: «وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنَكَ حِجَابٌ» (فصلت: ۵). در این کریمه، «آکنه» به معنای پوششی است که مانع درک پیام می‌شود و «وقر» به سنگینی گوش گفته می‌شود که فرد را از پذیرش هدایت بازمی‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۶۰). در طرف ایجاب نیز برخی از آیات قرآن، به نقش گوش شنوا داشتن در ادراک حقیقت و پذیرش هدایت الهی اشاره می‌کنند و اهمیت آن را به‌عنوان ابزاری برای تعقل و تأمل در هدایت الهی مورد تأکید قرار می‌دهند (برای نمونه نک: آل عمران: ۱۹۳ و اعراف: ۲۰۴).

این مضامین در سوره جن نیز با بیانی دیگر انعکاس یافته و بر نقش بنیادین استماع حق در نیل به رشد تأکید شده است: «قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ...» (جن: ۱ و ۲). مبتنی بر این آیات، جنیان به صراحت اعلام می‌کنند که پس از شنیدن آیات هدایت، بی‌درنگ به آن ایمان آوردند و هیچ‌گونه عناد و ستیزجویی از خود نشان ندادند: «وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ...» (جن: ۱۳). جالب آنکه، همین واقعه با بیانی دیگر در سوره احقاف بازگو می‌شود، آنجا که به حضور گروهی از جنیان در محضر

پیامبر اکرم^(ص)، برای استماع آیات وحی اشاره می‌شود: «وَ إِذْ صَرَّفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصَتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّندِرِينَ» (احقاف: ۲۹). آنان با تبعیت از فرمان الهی مبنی بر انصات، از فیض هدایت قرآنی بهره‌مند گشتند و پس از شنیدن این آیات به سوی قوم خود رهسپار شدند تا این هدایت را به ایشان نیز انتقال دهند: «قَالُوا يَوْمَنَا إِنْآ سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ» (احقاف: ۳۰).

روشن است که در این آیات، استماع به‌مثابه یکی از ارکان اساسی در نظام معرفتی قرآن تلقی شده و به‌عنوان پیش‌شرط درک حقیقت و حرکت در مسیر رشد معرفی می‌گردد. در نهایت، می‌توان چنین استنتاج کرد که داشتگ گوش شنوا، شرط اساسی برای رسیدن به رشد است. قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که توانایی شنیدن تنها زمانی مؤثر است که با تأمل و تدبیر همراه گردد، زیرا این فرایند فرد را به ادراک معارف الهی و رشد رهنمون می‌سازد. بنابراین شنیدن با گوش شنوا نه تنها یک واکنش ادراکی، بلکه عنصری حیاتی در سلوک معرفتی انسان به‌سوی رشد از منظر قرآن کریم به شمار می‌آید.

۲-۳- ایمان به خدا و تسلیم در برابر حق

در آیات ابتدایی سوره جن، به تأثیر عمیق استماع قرآن بر جنیان اشاره شده است. جنیان پس از شنیدن آیات الهی، به‌سرعت ایمان آورده و قرآن را راهنما و مسیری برای رشد و هدایت تلقی می‌کنند: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنْآ سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَ لَن نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (جن: ۱-۲). این ایمان و تسلیم خالصانه در تقابل با متکبرانی است که به آیات الهی پاسخ نمی‌دهند (اعراف: ۱۴۶) و غفلت آن‌ها از حقایق آیات الهی، سبب انحرافشان از مسیر رشد و هدایت خواهد شد. براساس آیات ابتدایی سوره جن، ایمان به حق، به‌عنوان شرط اصلی رشد محسوب می‌گردد و در این راستا، درک جنیان از حقیقت وحی و پیامبری به نقطه عطفی در شناخت و ایمان آن‌ها تبدیل می‌شود. آن‌ها همچون برخی انسان‌ها، به دلیل ناآگاهی، تصور می‌کردند که خداوند پیامبری برای هدایت آن‌ها نمی‌فرستد (جن: ۶-۷) اما با شنیدن آیات قرآن، آگاهی به وحی و رسالت الهی پیدا کردند و بی‌درنگ ایمان آوردند: «وَ أَنآ لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَ لَا رَهَقًا» (جن: ۱۳). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایمان به حق - خدا، پیامبر و قرآن - از بنیادی‌ترین شرایط دستیابی به رشد حقیقی است. این امر به‌نوعی در معنای لغوی «رشد» نیز منعکس است؛ زیرا رشد به معنای «اصابه به واقع» یا همان «نبیل به حقیقت» است و در این مسیر، ایمان به حق در واقع همان گام برداشتن در طریق هدایت و دستیابی به حقیقت مطلق به شمار می‌رود.

در کنار ایمان، تسلیم نیز به‌عنوان یک مفهوم بنیادین در تفکر اسلامی، محسوب می‌شود. این مفهوم، به حالتی اشاره دارد که فرد با قلبی گشاده و بدون اعتراض، به استقبال قضاو قدر الهی می‌رود (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۶؛ جرجانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۸۰). برخی محققان بر این باورند

که این مرتبه از تسلیم، مقام بالاتری نسبت به ایمان دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۰)، درحالی که برخی دیگر آن را از لوازم مرتبه سوم اسلام و از ارزشمندترین ثمرات عبودیت نسبت به خداوند متعال می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۲؛ ج ۱۲، ص ۳۳۴). از جمله آثار برجسته تسلیم در برابر خداوند، بهره‌مندی از هدایت الهی است. قرآن کریم در آیات متعدد بر ارتباط تسلیم با هدایت الهی تأکید می‌کند؛ از جمله در آیه: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ... وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ فَإِنِ آمَنُوا مِثْلَ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا» (بقره: ۱۳۶-۱۳۷). همچنین هدایت به صراط مستقیم، از نتایج تسلیم شمرده شده است؛ چنان که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ... وَ لَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (نساء: ۶۶-۶۸).

تدبر در آیات سوره جن بیانگر آن است که جنیان بر حقیقت تسلیم و اثر مهم آن که همانا یافتن رشد و مسیر درست به واسطه تسلیم در برابر پروردگار است، اذعان کرده‌اند: «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرُّوْا رَشَدًا» (جن: ۱۴). نتیجه آنکه تسلیم کامل در برابر خداوند یکی از شرایط اساسی برای رسیدن به رشد و تعالی در زندگی انسان است. این امر نه تنها منجر به بهره‌مندی از هدایت الهی می‌شود، بلکه فرد را در مسیر تحقق معنای عمیق‌تری از بندگی و اخلاص یاری می‌کند.

۳-۳- باور به وعده‌های الهی و استقامت در مسیر عبودیت

از منظر قرآنی، استقامت به‌عنوان پایداری در دین و پافشاری بر مسیر حق در برابر انحرافات شناخته می‌شود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۸۲). در تفسیر استقامت، مفاهیم مختلفی چون دوری از افراط و تفریط، ثبات و دوام، و درخواست قیام مطرح شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۱۶). این مفهوم به معنای پایبندی و پایداری بر اصول دین و ارزش‌های دینی، به‌ویژه در حوزه توحید و انجام وظایف دینی، ارتباط نزدیکی با جنبه‌های فکری و اعتقادی دارد و به‌ویژه با مفاهیمی چون صراط مستقیم و تقوا همبستگی دارد. اهل استقامت، که شامل پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحان می‌شود، به‌عنوان بندگان برخوردار از نعمت‌های الهی در مسیری گام می‌زنند که پایبندی به راه حق را به ثبات دائمی در زندگی تبدیل می‌کند (نک: نساء: ۶۸؛ فصلت: ۳۰).

لازمه این استقامت، باور به راستی وعده‌های الهی است. اعتقاد راسخ به وعده‌های الهی از ارکان اساسی ایمان به شمار می‌رود و تأثیر مستقیم بر رشد فرد دارد. برای مثال، قوم حضرت موسی^(ع) در پی تأخیر در تحقق وعده الهی دچار تزلزل روحی شدند و به انحراف کشیده شدند، چنان که قرآن کریم نیز به واکنش موسی^(ع) در مقابل این انحراف این‌گونه اشاره می‌کند: «فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا» (طه: ۸۶). این آیه به‌خوبی نشان می‌دهد که تأخیر در تحقق وعده الهی می‌تواند به تزلزل ایمان و انحراف مؤمنان منجر شود. همچنین، ایمان به وعده‌های نیکوی خداوند باعث تقویت روحیه و اطمینان قلبی می‌شود و به تسهیل امور و موفقیت‌های فردی و اجتماعی می‌انجامد، آن‌سان که در کریمه: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ اتَّقَىٰ وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ

فَسَنِّيئِرُهُ لِيَسْرِي» (لیل: ۵-۷) مورد تأکید قرار گرفته است.

تحلیل فضای نزول سوره جن نشان می‌دهد که دوران فترت پیش از بعثت نبی مکرم اسلام^(ص)، موجب شد تا بسیاری از انسان‌ها و جنیان، علی‌رغم وعده‌های موجود در کتب مقدس، از ظهور پیامبر خاتم نامید شوند: «وَأَنَّهُمْ طُنُونٌ كَمَا طُنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا» (جن: ۷) و همین ناامیدی و یأس سبب شد تا به مسیر انحرافی متمایل شوند و برای جبران خلأ پیش‌آمده و نیز راهیابی به آسمان‌ها، دست به دامان یکدیگر شوند و به یکدیگر پناه برند: «وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْأَنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا» (جن: ۶). آیات سوره جن این پیام را به همه مخاطبان می‌رساند که یکی از اساسی‌ترین شرایط برای نیل به رشد، اعتقاد به وعده‌های الهی و صبر در انتظار تحقق آن‌ها است. این باور، انسان را در مسیر حق قرار می‌دهد، به وی در غلبه بر چالش‌ها یاری می‌رساند و موجبات توفیقات فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

در این راستا آیه «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶) به وضوح بر ارتباط باور به وعده‌های الهی، استقامت در پیمودن مسیر و دریافت فیض الهی دلالت دارد. برخی مفسران، این استقامت را به معنای پابندی بر ولایت اهل بیت^(ع) تفسیر نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۶۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۰۸؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۳۸). مفسران بر این باورند که اهل بیت به‌عنوان صراط مستقیم الهی شناخته می‌شوند و لذا استقامت بر ولایت ایشان، نشانه‌ای از پابندی به این صراط می‌باشد. علاوه بر این، قرآن کریم، پیامبر اکرم^(ص) را به‌عنوان الگوی کامل رشد معرفی کرده و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِيَدًّا» (جن: ۱۹)، که نشان‌دهنده اوج استقامت آن حضرت در مسیر حق است. این اسوه الهی به ما می‌آموزد که استقامت بر طریق مستقیم نه‌تنها پایه‌های ایمان و اعتقاد را مستحکم می‌سازد، بلکه موجب رشد و نیل به اهداف متعالی نیز می‌شود. از مجموع این معارف می‌توان نتیجه گرفت که استقامت بر طریق حق، به‌معنای التزام به اصول راستین و استمراری پایدار بر آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی، نقشی حیاتی در دستیابی به رشد و تحقق اهداف معنوی دارد. لذا برای وصول به رشد و هدف نهایی، پابندی به صراط مستقیم و استقامت در آن از ضروریات به‌شمار می‌آید.

۳-۴- توجه به نشانه‌های الهی

یکی از ویژگی‌های انسان‌های رشدیافته، توجه به نشانه‌های الهی است که در آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره آل‌عمران به روشنی مورد تأکید قرار گرفته است. در این آیات، افرادی که به نشانه‌های الهی توجه می‌کنند و در آن‌ها تفکر دارند، با عنوان «اولوالالباب» تحسین می‌شوند. این آیات انسان‌ها را به تأمل در آفرینش و پدیده‌های جهان ترغیب می‌کند تا هر فرد به اندازه توانایی و عمق تفکر خود از این دریای بی‌کران بهره‌مند شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۲۱۴-۲۱۵). هرچه فرد خردمندتر باشد، قابلیت بیشتری برای درک نشانه‌های الهی خواهد داشت (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۲۶۴). در مقابل، قرآن کریم به افرادی که از تکبر رنج برده و به آیات الهی توجه نمی‌کنند، اشاره کرده و تصریح می‌کند که این افراد حتی اگر راه هدایت را ببینند، آن را انتخاب

نی‌کنند و در مقابل، راه گمراهی را برمی‌گزینند (اعراف: ۱۴۶). تدبر در آیات ۶۰ تا ۶۴ سوره کهف که به سفر موسی^(ع) برای ملاقات با خضر^(ع) اشاره دارد، نیز اهمیت توجه به نشانه‌های الهی در مسیر دستیابی به رشد را نشان می‌دهد. خداوند با تعیین نشانه‌ای برای موسی^(ع)، او را به قرارگاه خضر^(ع)، هدایت می‌کند. این داستان یادآور ضرورت دقت و بصیرت در شناسایی نشانه‌های الهی در مسیر رشد است.

پیگیری این شرط مهم در سوره جن، بیانگر آن است که گرچه کلیدواژگان مرتبطی همچون «آیه» به طور صریح در این سوره به کار نرفته، اما می‌توان استماع آیات وحی از سوی جنیان در آیه نخست این سوره را به‌عنوان نمودی از ادراک نشانه‌های الهی تلقی نمود: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا». علاوه بر این، جنیان به تغییری بنیادین در نظام کیهانی نیز وقوف یافتند؛ تغییری که بر توانایی آن‌ها در دسترسی به معارف الهی تأثیرگذار بود. آنان اذعان داشتند که در گذشته، امکان صعود به آسمان و استماع معارف الهی برایشان فراهم بود، اما در وضعیت کنونی این مسیر مسدود شده و آسمان‌ها با پاسداران سخت‌گیر و شهاب‌های سوزان محافظت می‌شوند. این تحول که در آیات ۸ و ۹ منعکس شده است، به‌مثابه نشانه‌ای الهی مورد تأمل جنیان قرار گرفت: «وَ أَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاَهَا مُلْبَتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهَبًا» (جن: ۸) «وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا» (جن: ۹) این ادراک، آنان را به بازاندیشی در دلالت‌های این رویداد وامی‌دارد، به‌گونه‌ای که در آیه ۱۰، نسبت به پیامدهای این تغییر کیهانی ابراز تأمل و تردید می‌کنند: «وَ أَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ مِنِّي فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا» (جن: ۱۰). این مجموعه از آیات، حاکی از آن است که تأمل در نشانه‌های الهی و تغییرات نظام هستی، نقشی محوری در هدایت و ارتقای معنوی دارد. ازاین‌رو، فرایند رشد نه‌تنها مستلزم ادراک نشانه‌های الهی است، بلکه خود نیز موجب گسترش ظرفیت انسان برای دریافت نشانه‌های الهی جدیدتر خواهد شد؛ بنابراین، التفات به نشانه‌های الهی، یکی از شرایط اساسی برای دستیابی به رشد است.

۳-۵- دوری از تقلید کورکورانه

قرآن کریم به‌شدت از تقلید کورکورانه و بدون تحقیق از رهبران اجتماعی انتقاد می‌کند و آن را مایه ندامت در روز قیامت می‌داند. افرادی که از بزرگان خود پیروی کرده‌اند، در آن روز به درگاه خداوند عذر می‌آورند که عامل بازماندنشان از هدایت، اینان هستند و به همین سبب از درگاه او می‌خواهند که ایشان را دوچندان مجازات نماید (احزاب: ۶۷ و ۶۸). آیات دیگر قرآن کریم، ناطق به این حقیقت است که این درخواست مورد قبول قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به ایشان خطاب می‌شود که هم آنان و هم شما که با حرف شنوی از ایشان موجبات طغیان بیشترشان را فراهم آوردید، عذابی دو چندان خواهید داشت (اعراف: ۳۸). در آیات مختلف، این نوع تقلید جاهلانه به‌عنوان مانع بزرگی در برابر پیشرفت دعوت پیامبران توصیف شده و به‌عنوان عمل مذموم و محکوم یاد

شده است (برای نمونه نک: مائده: ۱۰۴).

آیات ۴ و ۵ سوره جن نیز به خوبی نشان‌دهنده تقلید ناآگاهانه جنیان از انسان‌هاست، جایی که آن‌ها به باور نادرست خود مبنی بر اینکه انسان‌ها و جن‌ها هرگز بر خداوند دروغ نمی‌بندند، اشاره می‌کنند (جن: ۴-۵). این تقلید کورکورانه به جنیان امکان پذیرش عقاید باطل مانند نسبت دادن فرزند به خداوند را می‌دهد، تا زمانی که با شنیدن آیات قرآن، حقیقت برای آن‌ها روشن می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۴۱). این آگاهی نشان داد که تقلید بی‌اساس از انسان‌ها نه تنها به شناخت حقیقت نمی‌انجامد، بلکه موجب انحراف از مسیر رشد می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۵۵). قرآن به‌عنوان منبعی معتبر، به آنان فراخوانی به عقلانیت و تفکر عمیق می‌دهد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که کسانی که برای خدا شریک یا فرزند قائل می‌شوند، بدون علم و دانش به تقلید از نیاکان خود پرداخته‌اند (کهف: ۴-۵). بر این اساس، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یکی از شرایط اساسی دستیابی به رشد، اجتناب از تقلید کورکورانه است. تقلید نابخردانه مانع از تفکر و تعقل صحیح می‌شود و فرد را به پیروی از باورهایی سوق می‌دهد که هیچ‌گاه درباره آن‌ها تأمل نکرده و صرفاً بر اساس عادات پیشینیان به آن‌ها عمل می‌کند، بدون آنکه دلیل روشنی یا عقلانی پشت آن وجود داشته باشد. در مقابل، مسیر رشد باید آگاهانه و مبتنی بر تفکر و اراده فرد باشد. حتی اگر در این مسیر تقلیدی صورت گیرد، باید بر پایه تحقیق و دلایل روشن باشد و نه صرفاً تقلید از عادات و باورهای رایج.

۴- نتیجه‌گیری

تحلیل آموزه «رشد» به‌مثابه هدف تربیت قرآنی با تمرکز بر غرض سوره جن نشان می‌دهد که این سوره، برخلاف ظاهر مختصر خود، واجد محتوایی عمیق و معرفتی در حوزه مبانی تربیت اسلامی است. غرض محوری سوره جن، تمرکز بر تبیین مبانی نظری و بینشی سلوک در مسیر رشد معنوی است؛ به‌ویژه با تأکید بر اتصال به عالم غیب از طریق وحی، نبوت و تلقی آگاهانه از کتاب الهی، فضایی برای تأمل معرفتی در آغاز حرکت تربیتی فراهم می‌شود. به‌این‌ترتیب، درک و پذیرش وحی الهی، به‌ویژه علم لدنی که مختص خداوند متعال و پیامبران برگزیده‌اش است، به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اساسی تحقق رشد در سوره جن شناخته می‌شود. علاوه بر این، مفهوم رشد در سوره جن با تأکید بر مراتب سه‌گانه توحید - یعنی توحید ربوبی (که به درک مالکیت و تدبیر خداوند اشاره دارد)، توحید عبودی (که پذیرش بندگی مطلق را می‌طلبد) و توحید ولایی (که پذیرش هدایت خاص اولیای الهی را در بر می‌گیرد) - در تعامل با اصول بنیادی رشد قرار می‌گیرد. این مراتب توحید به‌عنوان شاخصه‌های اصلی تحقق رشد در سوره، همچون مبانی اساسی جهت‌گیری فرد در مسیر تربیت قرآنی، تأثیر عمیقی در شکل‌دهی فرایند رشد فردی دارند.

افزون بر این، سوره جن در لایه‌های معنایی خود، شرایط ضروری برای تحقق رشد را نیز به طور ضمنی معرفی می‌کند. از جمله این عوامل، می‌توان به داشتن گوش شنوا و آمادگی برای

پذیرش حقیقت اشاره کرد؛ چراکه این ویژگی، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برای درک و فهم حقایق، نقش محوری ایفا می‌کند. ایمان به خداوند و تسلیم در برابر فرمان‌های الهی از دیگر شرایط حیاتی است که فرد را در مسیر رشد و تعالی حفظ می‌کند. همچنین، باور به وعده‌های الهی و استقامت در مسیر عبودیت، به‌عنوان شرایط دیگری در دستیابی به رشد شناخته می‌شوند. در نهایت، سوره جن با تأکید بر دقت و توجه به نشانه‌های الهی و اجتناب از تقلید کورکورانه که از دیگر شرایط رسیدن به رشد محسوب می‌گردد، نقش این عناصر را در حفظ مسیر رشد و جلوگیری از انحراف از آن مورد تأکید قرار می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحرير و التنوير (چاپ اول). بی جا: بی جا.
- ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اعرافی، علیرضا، بهشتی، محمد، فقیهی، علی نقی، و ابوجعفری، مهدی. (۱۳۸۷). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام (چاپ دهم). بی جا: سمت.
- اکبری، صاحبعلی. (۱۳۸۸). تأملی در معنای «رشد» در قصص قرآن کریم. علوم قرآن و حدیث، ۴۱(۸۳).
- باقری، خسرو. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۵ ق). التعریفات (ابراهیم الیاری، محقق). بیروت: دارالکتب العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تسنیم (جلد ۱۰). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱). تسنیم (جلد ۵۲). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۳). تسنیم (جلد ۷۴). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). توحید در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، ابونصر. (۱۴۰۷ ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة (احمد عبدالغفور عطار، محقق). بیروت: دار العلم للملایین.
- حاجی بابایی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم رشد از دیدگاه قرآن کریم. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۴-۱۵.
- حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۸۸). ولایت، تجلی توحید ربوبی. پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۱۱(۴۱).
- حسنی، یونس، و فقیهی، سید احمد. (۱۳۹۶). هدف غایی تربیت اخلاقی در قرآن از منظر تفسیر المیزان. پژوهش‌های قرآنی، ۲۳۶.
- حسینی رامندی، سید علی اکبر. (۱۴۰۰). تحلیل روان‌شناختی رشد قرآنی و نشانه‌های آن. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۲۹).
- حسینی زاده، سید علی. (۱۳۹۹). غایت تربیت از دیدگاه اسلامی. تربیت اسلامی، ۱۵(۳۱).
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین (چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان.
- دلبری، سیدمحمد، مصلاهی پور، عباس، و ملکی، حسن. (۱۳۹۳). الگوی اهداف تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم. نوآوری‌های آموزشی، ۱۱۳(۲).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن (چاپ اول). دمشق-بیروت: دارالعلم، الدار الشامیة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۴). قرآن و تربیت: تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای قرآن و علوم (جلد ۱، چاپ اول). تهران: تلاوت.

- سید قطب، ابراهیم حسین. (۱۴۲۵ ق). فی ظلال القرآن (چاپ پانزدهم). بیروت: دارالشروق.
- شاکر، محمدکاظم. (۱۳۷۸). مبانی رشد و لوازم آن در قرآن کریم. صحیفه مبین، ۱۹.
- ضرابی، عبدالرضا. (۱۳۹۴). اهداف تربیت دینی از منظر قرآن کریم. فصلنامه معرفت، ۲۰۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. (بی تا). مجمع البحرین (سید احمد الحسینی، محقق). بی جا: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (بی تا). المقصد الاسنی شرح اسماء الله الحسنی. قاهره: مطبعة حجازی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). کتاب العین. بی جا: بی جا.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۰۵ ق). المصباح المنیر. قم: مؤسسه دارالهجرة.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور (چاپ اول). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معینی نجف‌آبادی، مریم. (۱۳۹۴). معناشناسی رشد در قرآن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (چاپ سی و دوم). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نساج، مریم. (۱۴۰۱). سوره جن: زیبایی‌شناسی ساختاری، آوایی و واژگانی. پژوهش‌نامه نقد آراء تفسیری، ۳(۱).
- هاشمی، سید حسین. (۱۳۸۸). چیستی و اهداف تربیت. پژوهش‌های قرآنی، ۱۵(۵۹-۶۰).
- وجدانی، فاطمه، و ایمانی، محسن. (۱۳۹۱). تحلیل مفهوم رشد با تکیه بر آیات قرآن کریم. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰(۱۶).

